



۲۰۱۴/۰۴/۱۳



ولی احمد نوری

انتخابات افغانستان و نگاه ایرانی ها

از صفحه فارسی سایت بی بی سی ۲۰ حمل ۱۳۹۳ - ۹ اپریل ۲۰۱۴
به دري افغانستان آماده شده است

بخش دوم

امید منتظری/برلین

انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به فرصتی مبدل شد که مردم این کشور سرنوشت قطعی را که پیش پای آنها قرار گرفته بود، تغییر دهند.

مردم افغانستان "مستقل" از نتیجه این انتخابات، توانسته اند معنی تازه ای به شکل مداخله خود و حتی مفهوم عام انتخابات دهد. آنهم در وضعیتی که به نظر می رسد سرنوشت آنها قربانی و گروهان جنگ نیروهای بین المللی و تروریسم بنیادگرا با یکدیگر باشد.

افغانستان که روزی بستر بنیادگرایی اسلامی و ضد دیموکراتیک به شمار می آمد، در حالی از این تقدیر تیره فاصله گرفت که "رشد بنیادگرایی" و "مبارزه با تروریسم" به عنوان گفتار و مشکل اصلی شرق میانه تعریف می شود.

شاید بدون مشارکت فعال مردم، راه دیگر افغانستان آن بود که همچون گفتار رایج مبارزه با تروریسم، آزادی و مراحل رسیدن به دیموکراسی را رها سازد. و همچون "زندان بگرام" با توسل به خشونت و برای جلوگیری از خشونت های وسیعتر، آزادی و کرامتی را قربانی کنند که به دفاع از آن پرداخته بودند.

امروز این مداخله در تعیین سرنوشت، مردم افغانستان را در موقعیت تازه ای از عاملیت سیاسی قرار می دهد. و نهایتاً محتمل است این مشارکت مستقل، تبعیض علیه شش میلیون مهاجر و پناهجوی افغان را در خارج این کشور تحت تأثیر قرار دهد.

ابراهیم اسدی/امستردم

دیدن دوستان افغان که هر کدام انگشت های جوهری شان را ثبت کرده اند؛ برایم هیجان انگیز است. انگشتانی که به قطع شدن تهدید می شدند؛ اما حالا برای تعیین سرنوشت جوهری می شوند. این رنگ ارغوانی که ممکن است راهی برای خوشبخت شدن مردم افغانستان باشد.

افغانستان برای نخستین بار انتقال قدرت را به گونه مسالمت آمیز از یک رئیس جمهور منتخب به رئیس جمهور بعدی تجربه می کند. مردم افغانستان به این باور رسیده اند که تنها انتقال مسالمت آمیز قدرت می تواند ثبات سیاسی را در این کشور تضمین کند. همین باور بسیار قابل احترام است.



مدت هاست اخبار مربوط به انتخابات ریاست جمهوری افغانستان را تعقیب می کنم. هر کسی از کاندید های مورد نظرش می گوید و به بحث می پردازد اما جالب آنجا است که حتی دو دوست با وجود تفاوت دیدگاهی، هر دو به این توافق رسیده اند که باید رأی بدهند.

رأی دادن را راهی به سوی دیموکراسی می دانند و به قول یکی از دوستان افغان: این «من» و «تو» حاصل تفریق «ما» ست پس «تو» هم با «من» بیا تا «ما» شویم حاصل جمع تمام قطره ها می شود دریا، بیا دریا شویم

بارها و بارها از دوستان افغان شنیده ام که از جنگ و خشونت بیزار شده اند. دل شان ثبات و آرامش می خواهد. یادم می آید در تنها سفری که به کابل داشتم حتی دیوارهای کابل هم به همین پیام مزین بود که:

- ❖ جنگ بس است
- ❖ انتحار بس است
- ❖ ما صلح و آرامش می خواهیم

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

و من هم برای مردمان این دیار همین آرزو را دارم.

مهران انصاری / واشنگتن

وقتی می بینی در هر کشوری سرنوشت مردم قرار است با دست خودشان، آن هم آزادانه، رقم بخورد خوشحال می شوی. آن هم افغانستان که از یک سو اشتراکات فرهنگی و تاریخی فراوان و از سوی دیگر حضور مهاجران افغانی در ایران، ارتباطات مردم این دو کشور را ریشه دار کرده است.

همه آن چه این روزها از افغانستان به گوش می رسد، شور اشتیاق برای شرکت در انتخابات است و روز رأی گیری هم آن گونه ای که از رسانه ها مخابره می شد، صف های طولانی و مشارکتی چشمگیر بود. همه این ها نشانه های خوبی است برای کشوری که شاید پس از سال ها امکان شروع حرکتی دیموکراتیک را یافته باشد.

اما در این میان نباید یک چیز را از نظر دور داشت و آن هم خطر بازگشت تروریسم و گروه های تندرو به افغانستان است. در میان همین اخبار خوشایند برگزاری انتخابات، چندین عملیات تروریستی نشان از آن دارد که هنوز افراطی هایی که منطق شان از ادبیات دیموکراتیک فرسنگ ها فاصله دارد، از هر فرصتی برای برهم زدن ثبات استفاده خواهند کرد.

خاصاً که اساساً هم خود این کشور و هم منطقه پتانسیل بالایی در این خصوص دارد. به هر صورت ضمن این که امیدوارم تا پایان انتخابات و اعلام نتایج، همه چیز در فضای سالم پیش برود، معتقدم این شادمانی انتخابات آزاد در افغانستان نباید آن قدر در مرکز توجه قرار گیرد که این خطر که بالقوه و بالفعل افغانستان را تهدید می کند، فراموش شود.

لیلا معینی / لندن

امسال، به دلیل کارم بیش از همیشه وقایع انتخابات افغانستان، فعالیت روزنامه نگاران و فعالان را در فضای مجازی دنبال کردم و خوشحالم که با زنان فعال افغان بیشتر آشنا شدم.

خبرگزاری زنان افغانستان را تعقیب کردم و روزنامه های الکترونیکی را خواندم. نگرانی و دغدغه شان برای انتخابات و روز رأی گیری و بروسه منتهی به روز رأی گیری، امنیت و استقلال رأی دهندگان بخصوص زنان را خواندم و با آنها همدل بودم و تحسین شان می کردم.

بخصوص دانش شان، بردباری، شجاعت و صراحت بیان شان و امید آگاهانه شان را ستودم. هرچا از امید حرف زدند، دغدغه ها و نگرانی ها را هم برشمردند که به خودشان و دیگران یادآوری کنند که زنانی که حقوق خود را به بهای جان و امنیت شان طلب کرده و می کنند، کار شان با رأی دادن تمام نمی شود.

دیروز خوشحالی شان را که آنهم خالی از نگرانی برای آینده نبود، شاهد بودم و به شادی شان شاد شدم.

پایان بخش دوم

ادامه دارد

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالپولو مخکي په څير و لولئ